

سخنگوی شورای عالی صلح: اعضای شورای عالی صلح به عربستان سفر می‌کنند



سخنگوی شورای عالی صلح افغانستان از سفر اعضای این شورا برای شرکت در کنفرانس صلح کشورهای اسلامی به عربستان سعودی خبر داد. شهزاده شاهد سخنگوی شورای عالی صلح در گفت‌وگو با رسانه‌ها، اظهار داشت: اعضای شورای عالی صلح برای شرکت در کنفرانس صلح کشورهای اسلامی به عربستان سعودی سفر می‌کنند. این کنفرانس در ادامه نشست‌های کشورهای اسلامی در عربستان سعودی صورت می‌گیرد. به گفته شاهد، شرکت‌کنندگان این کنفرانس در مورد چگونگی ایجاد صلح و امنیت در افغانستان بحث و گفت‌وگو خواهند کرد و به همین منظور قرار است برخی از اعضای این شورا به عربستان سعودی سفر کنند. ... ادامه صفحه ۶

خدا حافظ الگوهای گذشته

استاد اشراق حسینی:

کنفرانس آجندای ملی برای باز شدن فصل جدید سیاسی است

ما در این فصل جدید می‌خواهیم که گفت‌وگوهای ملی برای مشارکت همه‌گانی شکل گیرد و پروسه مدیریت سیاسی تقویت یابد. همچنان در ارتباط به حل معمای قدرت که از سال‌های سال در افغانستان بحران‌آفرین بوده است، دیدگاه‌ها و طرح‌های راهبردی ایجاد شود و زمینه‌های هم‌سویی نیروهای متعدد و جریان‌های متنوع حول محور گفت‌وگو ملی که در آن مراحل متعددی در نظر گرفته شده است، شکل گیرد. فضای بسته فعلی به یک فضای منعطف و متعادل همبستگی ملی، مبدل شود. گروه تماس کنفرانس آجندای ملی به خاطری تعیین شده است، تا با نامزدان انتخابات ریاست جمهوری روی اهمیت و مزایای آجندای ملی صحبت کرده و توجه نامزدان را به نیاز ایجاد دولت وحدت ملی در افغانستان معطوف بدارند.

صفحه ۶



نخست‌وزیر پاکستان:

افغانستان سال دشوار و سرنوشت‌سازی در پیش دارد

پیشبرد روند صلح نقش مثبت ایفا کند. در همین حال، حامد کرزی، رئیس‌جمهور افغانستان نیز در کنفرانس مشترک خبری گفت: «هر دو طرف با وضاحت بیان کردند که تروریسم و افراطیت برای هر دو طرف خطر است [...] امیدواریم که هر دو کشور در مبارزه با تروریسم کامیاب شوند». آقای کرزی گفت که با نخست‌وزیری نواز شریف روابط افغانستان و پاکستان بهبود یافته است. کرزی ابراز امیدواری کرد که روابط دو کشور به حدی بهبود یابد که ملت‌های دو کشور در امنیت کامل زندگی کنند. نخست‌وزیر پاکستان نیز در این نشست خبری گفت که کشورش خواستار روابط نیک... ادامه صفحه ۶

نخست‌وزیر پاکستان اطمینان داد که این کشور از تمام امکانات برای رسیدن افغانستان به صلح و ثبات استفاده می‌کند. نواز شریف گفت کشورش حاضر است که پروسه صلح افغانستان را تسهیل کند. نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان روز شنبه به کابل سفر کرد و با رئیس‌جمهور کرزی دیدار نمود. نواز شریف پس از دیدار با کرزی گفت که هر دو کشور به توافق درباره «میکانیزیسم» دست یافته‌اند که بر مبنای آن اعضای «شورای عالی صلح افغانستان» می‌توانند با ملا برادر ملاقات کنند. ملا برادر، فرد شماره دوم طالبان در گذشته بود که به تازه‌گی از زندان در پاکستان رها شد. حکومت افغانستان گمان می‌کند که ملا برادر می‌تواند در



سازمان ملل:

نگران کارمندان امدادگرمان در افغانستان هستیم



سازمان ملل متحد اعلام کرد که نگران جان نیروهای امدادگری است که در افغانستان مشغول امداد رسانی هستند. به گزارش خبرنگاری رویترز، مارک بودن، هماهنگ‌کننده بخش بشردوستانه سازمان ملل در افغانستان روز شنبه در بیانیه‌ی اعلام کرد: من به شدت نگران روندی هستم که در زمانی در حال رخ دادن است که این کشور در میانه تحولات و انتقال قدرت دشوار است و نیاز مبرم به کمک‌های بشر دوستانه دارد. این بیانیه پس از آن منتشر می‌شود که ماه جاری میلادی در دو رخداد متفاوت در افغانستان، ۹ نیروی امدادگر اعدام شده‌اند. سازمان ملل پیش‌تر اعلام کرده بود که در سال جاری ۳۶ نیروی امدادگر در افغانستان کشته شده‌اند. بر اساس آمارهای پایگاه داده برقراری امنیت نیروهای

له پروژو باج اخیستنه د دې پروژو پر کیفیت منفي اغېز کوي



د کلیو او پراختیا وزارت چارواکي وايي، چې په لرو پرتو سیمو کې له پلي کېدونکيو پروژو نه ځايي امنيتي کسان باج اخلي چې دغو کړنو يې په چارو بده اغېزه کړې ده. خو د کورنيو چارو وزارت يې دغه ادعا نه مني او وايي، تر اوسه هېڅ داسې موارد... پاتې نه‌مخ

در برگ ها



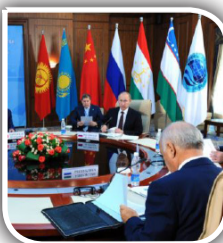
درد اصلی
رئیس‌جمهور
چیست؟

تأثیر فرهنگ
یونانی بر
تمدن امروز
اروپایی



هنر قهرمان
شرفی ندارد

در بازسازی
افغانستان
پیش‌قدم
شوید



نثار احمد فیضی غوریانی - عضو کمیسیون دفاعی و تمامیت ارضی مجلس نماینده‌گان

درد اصلی رییس جمهور چیست؟

مکتی بر سخنرانی آقای کرزی در روز پایانی لویه جرگه مشورتی

نمایندگان ملت افغانستان خوانده بود، اهانت روا داشت. خوب است برای آقای کرزی خاطر نشان کنم که او تنها غیرت افغانی و اسلامی ندارد، بل تک تک مردم این سرزمین به کشور خود عشق می‌ورزند و حاضر اند برای آن خود را قربانی کنند؛ چنان‌که در جهاد افغانستان چنین کردند.

مردم افغانستان عاشق آزادی و استقلال‌اند، ولی این عشق هیچ منافاتی با داشتن رابطه با کشورهای دیگر و یا داشتن دوستان استراتژیک ندارد. تنها از خانواده خود، بیست و شش تن به شمول دو برادر در راه آزادی و جهاد به شهادت رسیده‌اند. آیا من که امروز بر امضای توافق‌نامه امنیتی با امریکا تأکید دارم، باید بی‌غیرت خطاب شوم؟ آیا این سخنان اهانت به روح شهدا و ملت بزرگوار افغانستان نیست؟

آقای کرزی در آغاز جرگه مشورتی به صراحت لهجه اعلام کرد که به تصمیم اعضای آن احترام می‌گذارد و حتا جرأت رد آن را در خود نمی‌بیند. ولی چه شد که در روز پایانی، این قول خود را به فراموشی سپرد و امضای قرارداد امنیتی را به پس از برگزاری انتخابات سال آینده موکول کرد؟ آیا این انتخاباتی کردن جو جرگه مشورتی، خود خلاف اظهارات قبلی آقای کرزی که می‌گفت در لویه جرگه مشورتی هیچ مسأله دیگری غیر از قرارداد امنیتی و دفاعی با امریکا مطرح بحث نخواهد شد، نمی‌تواند باشد؟

در همین حال، وقتی حضرت صبغت‌الله مجددی به عنوان یکی از بزرگان جهادی کشور از آقای کرزی خواست که امضای توافق‌نامه امنیتی را به پس از برگزاری انتخابات نیندازد، چرا سخنان او با عصبانیت از سوی آقای کرزی رد شد؟ مگر صدای آقای مجددی که صدای تمام شرکت‌کنندگان لویه جرگه بود، با منافع آقای کرزی سازگاری نداشت؟ اگر واقعا آقای کرزی مسایلی را می‌داند و از روی آگاهی چنین با امضای توافق‌نامه امنیتی مخالفت می‌ورزد، چرا آن‌ها را به گونه شفاف با نمایندگان مردم در میان نگذاشته و نمی‌گذارد؟

فراموش نکنیم که بیشترین اذیت‌وآزار را از ناحیه برگزاری لویه جرگه و اتخاذ تدابیر خاص امنیتی، شهروندان کابل متقبل شدند و حتا اکثریت مردم این شهر، به مدت پنج روز خانه‌های خود را ترک نکردند آن‌هم به این امید که در پایان لویه جرگه رییس‌جمهوری آن‌ها خبر خوشی به آن‌ها خواهد داد؛ خبری که آن‌ها را نسبت به آینده و امنیت افغانستان امیدوار خواهد ساخت.

متأسفانه وضعیت افغانستان، بسیار دردناک و تأسف‌بار است. حکومت هنوز توانایی لازم را برای تأمین امنیت و جلوگیری از مداخلات خارجی ندارد و گروه‌ها و نهادهایی در آن سوی مرزها انتظار روزی را می‌کشند که نیروهای بین‌المللی کشور ما را ترک کنند. اما ما به عنوان شهروندان افغانستان هرگز فراموش نمی‌کنیم که پیش از یازدهم سپتمبر، چه نیروهایی به کمک کدام کشورها بر ما حکومت می‌کردند. پس هنوز هم افغانستان برای سال‌های طولانی، به کمک‌های اقتصادی و نظامی جهان نیاز دارد و ما به عنوان ملتی دوران‌دیش، باید این ناچاری را به رسمیت بشناسیم، تا مبدا استخبارات منطقه و گروه‌های تروریستی، بدلیل جامعه جهانی در افغانستان شوند!



شد. در کنار تغییرات سیاسی، به کمک مالی جامعه جهانی در عرصه‌های اقتصادی، نظامی، بازسازی زیرساخت‌ها و ایجاد نهادهای ملی نیز فعالیت‌های گسترده‌ی صورت گرفت. این‌ها مسایلی نیستند که از چشم کسی پنهان بمانند.

رابطه افغانستان با جامعه جهانی، بر اساس یک نیاز کلان ملی شکل گرفته و گسترش یافته است. امضای پیمان‌های استراتژیک با برخی کشورهای بزرگ جهان، دقیقاً در راستای این نیاز انجام شده و آقای کرزی بهتر از هر کس دیگری در افغانستان می‌داند که بدون داشتن هم‌پیمانی استراتژیک راهی را که دوازده سال پیش آغاز کرده‌ایم، ممکن نیست ادامه دهیم. داشتن رابطه با کشورهای قدرتمند، دقیقاً از درون یک نیاز کلان ملی بیرون می‌شود و جرگه کلان مشورتی نیز بر این ضرورت تأکید کرده است.

هرچند پیش از آغاز لویه جرگه مشورتی، برخی رسانه‌ها این نگرانی را مطرح کرده بودند که احتمال مخالفت با امضای قرارداد امنیتی با امریکا در جرگه مشورتی وجود دارد؛ ولی در جلسات کمیته‌ها و در قطعنامه لویه جرگه دیدیم که تقریباً اجماع صد در صدی در مورد امضای این قرارداد به وجود آمده است. این اجماع می‌تواند نشان‌گر حمایت مردم افغانستان از کمک‌های جامعه جهانی و به‌ویژه امریکا نیز پنداشته شود.

آقای کرزی در سخنرانی پایانی خود گفت که دادن پایگاه نظامی به یک کشور خارجی، خلاف غیرت افغانی اوست. این در حالی است که شرکت‌کنندگان لویه جرگه حتا خواهان ایجاد پایگاه نظامی امریکا در ولایت بامیان شدند که پیش از آن در مسوده سند امنیتی در مورد آن چیزی گفته نشده بود. آیا این سخن نمی‌تواند به این معنا باشد که افرادی که به این قرارداد رای موافق داده‌اند، فاقد چنین غیرتی‌اند؟

آقای کرزی با این سخنان خود عملاً به شرکت‌کنندگان که خودش آن‌ها را

لویه جرگه مشورتی در مورد توافق‌نامه امنیتی میان افغانستان و امریکا با حضور بیشتر از دوهزار و پنجاه تن از نمایندگان مردم، آن‌گونه که با خوش‌بینی آغاز شد، به پایان نرسید. در روز گشایش این نشست بزرگ، سخنرانی رییس‌جمهوری و استقبال شرکت‌کنندگان از آن به گونه‌ی بود که گمان می‌رفت این جرگه در میان موجی از رضایت خاتمه خواهد یافت؛ ولی چنین نشد و آقای کرزی در آخرین روز برگزاری لویه جرگه مشورتی، سخنانی بر زبان آورد که عمدتاً مایه نگرانی عمومی و دغدغه خاطر اکثریت قریب به اتفاق شرکت‌کنندگان و شهروندان کشور شده است.

در این جای شک نیست که رییس‌جمهوری دغدغه‌های خاص خود را دارد که برخی‌ها را نمی‌خواهد در جمع‌های عمومی بیان کند؛ ولی به همان تناسب مردم افغانستان نیز نسبت به آینده و سرنوشت سیاسی کشور نگران‌اند. حضور دوازده‌ساله نیروهای ناتو در افغانستان که با سقوط رژیم طالبان آغاز یافت، در حقیقت نشان‌گر این واقعیت است که اراده و منافع ملی ما با اراده و منافع جهانی گره خورده و یکی از کم‌نظیرترین مناسبات در عرصه جهانی در قرن بیست و یکم به نمایش گذاشته شده است. جهان که پس از پیروزی مجاهدین در افغانستان، کشور ما را به فراموشی سپرده بود، با واقعه فاجعه‌بار یازده سپتمبر، یک بار دیگر متوجه خطری تازه شد که از آن غفلت خواسته و یا ناخوسته نشأت می‌گرفت.

فراموشی افغانستان برای جهان هزینه گزافی به‌جا گذاشت و دشمن تازه‌ی را به میدان آورد. این دشمن تازه، چیزی نبود جز از تروریسم جهانی. در بیشتر از یک دهه جامعه جهانی با مصرف میلیاردها دالر به‌نوعی تاوان فراموشی خود را پرداخت و عملاً در کنار افغانستان قرار گرفت. در این یک دهه، افغانستان وارد فضای جدید سیاسی شد و از کشوری منزوی، به یکی از اعضای فعال خانواده جهانی تبدیل

سخن ماندگار

چندی و چونی سفر نواز شریف به کابل

رییس‌جمهور کرزی طی یک دعوت رسمی از نواز شریف نخست وزیر پاکستان خواست تا به کابل آمده، روی مسایل مهمی گفت‌وگو کنند. این دیدار روز گذشته در کابل صورت پذیرفت و رسانه‌ها ظاهراً گزارش کردند که این گفت‌وگو برای ادامه مذاکرات صلح و همچنین ادامه همکاری‌های پاکستان در این راستا تدارک دیده شده است.

اما شرایط این سفر و زمان آن، حاکی از مسایل دیگری است که نمی‌توان تحلیل آن را از نظر به دور داشت. آقای شریف در شرایطی به افغانستان سفر می‌کند که آقای کرزی این روزها سرگرم گفت‌وگو برای امضای پیمان امنیتی با ایالات متحده است و چانه‌زنی‌ها تا هنوز به نتایج مثبتی منجر نگردیده است. این که چرا هنوز پیمان امنیتی امضا نشده، اظهارمن‌الشمس است و بی‌گمان، تا زمانی که رییس‌جمهور کرزی از خواسته‌های گروهی و شخصیش نگذرد، ادامه چانه‌زنی‌ها بی‌نتیجه خواهد ماند.

موضع پاکستان نیز در خصوص پیمان روشن است. هرچند به صورت علنی کدام مخالفتی از سوی پاکستانی‌ها علیه این پیمان صورت نگرفته، اما در باطن سنگ‌اندازی‌های آنان کاملاً واضح است.

از یک طرف گفته می‌شود که این دیدار قرار بود هفته‌ها قبل میان دو مقام بلندپایه صورت گیرد اما بنا بر دلایلی زمان آن از سوی رییس‌جمهور کرزی به تعویق افتاد؛ و از سوی دیگر، آن‌چه که اجندای اصلی این دیدار خوانده می‌شود، بسیار بی‌ربط به شرایط ملاقات است.

افزون بر آن، بر بنیاد تجربه ثابت شده که پاکستان در وعده‌هایش مبنی بر همکاری در راستای صلح و ثبات پایدار در افغانستان صادق نیست. این‌گونه ملاقات‌ها و دیدارها میان افغانستان و پاکستان، بسیار صورت گرفته که همه‌گی به طور قطع بی‌نتیجه مانده‌اند.

با این‌همه، پرسشی که مطرح می‌شود این است: سفر آقای شریف بیان‌گر چه می‌تواند باشد؟

اکنون اگر گزاره‌های ذکر شده را کنار هم بگذاریم، چنین تحلیلی به دست می‌آید که منظور اصلی آقای کرزی از این دیدار، ادامه گفت‌وگوها با طالبان و طلب کمک از پاکستان در راستای تحقق صلح نیست. حتا اگر باشد، در اولویت قرار ندارد. چه، او اشاره ظریفی به موضع ایالات متحده نیز دارد و رسیدن به این هدف را مشروط به موضع ایالات متحده دانسته است. گمان می‌رود که آقای کرزی در این ملاقات هدف خاصی را دنبال می‌کند و آن نوعی بی‌اعتنایی دیپلماتیک به ایالات متحده است. پاکستان از راه‌های گوناگون سعی دارد تا این پیمان با ایالات متحده به امضا نرسد، هرچند ایالات متحده تا کنون به روی خود نیاورده، اما بی‌گمان که از آن متأثر است.

با توجه به طفره رفتن‌های آقای کرزی از امضای این پیمان و با توجه به خواسته‌های پنهانی که گفته می‌شود شروط اصلی آقای کرزی اند، می‌توان این سفر را نوعی اهرم فشار قلمداد کرد تا ایالات متحده را مجبور به عقب‌نشینی کند و آن کشور را مجبور سازد تا به شروط رییس‌جمهور کرزی - که همانا حمایت از نامزد مورد نظرش در انتخابات پیش‌روست - تمکین کند.

به هر روی، نمی‌توان حکم کرد که سفر بی‌موقع و نامناسب آقای شریف به کابل، پله معامله بر سر پیمان امنیتی را به سود آقای کرزی سنگین می‌سازد. اما می‌شود حدس زد که این سفر مثل گذشته در زمینه ادامه گفت‌وگوهای صلح، بی‌نتیجه اما روی تغییر شرایط امضای پیمان امنیتی قطعاً اثرگذار خواهد بود.

اضافه شدن ۴۲ ماده جدید به قانون اساسی مصر تاسیس احزاب دینی ممنوع شد



که این مساله یکی از فصول و ابواب مهم قانون اساسی جدید است. در خصوص اختلافات با حزب سلفی النور نیز عمرو موسی اعلام کرد: ما هیچ اختلافی با حزب نور نداریم چرا که حزب نور یک حزب سیاسی است نه دینی.

وی افزود: قانون اساسی به روی همه احزاب سیاسی باز است و این شامل حال حزب نور هم می‌شود. اصل اساسی در قانون جدید عدالت اجتماعی است. رئیس کمیته ۵۰ نفره اصلاح قانون اساسی مصر در ادامه تاکید کرد که در قانون اساسی جدید تاسیس هرگونه حزب دینی ممنوع است.

غیر فردی بودن این ماده تصمیم‌گیری خواهد کرد. درباره محاکمات غیرنظامیان در دادگاه‌های نظامی مصر نیز عمرو موسی اعلام کرد: تنها در برخی موارد خاص و در مورد کسانی که مستقیماً به امکان دولتی یا مقرهای امنیتی حمله کرده‌اند، این مساله اجرا می‌شود.

وی افزود: چیزی که امروز آن را ارائه دادیم نتیجه توافق کمیته ۵۰ نفره است و در مورد تمامی بندهای آن با اکثریت آراء توافق شده است. ما در مورد تضمین آزادی‌ها از جمله آزادی بیان و آزادی عقاید به شکلی قاطع صحبت کردیم و این حق در قانون اساسی محفوظ است. درباره شوراها محلی نیز عمرو موسی اعلام کرد

رئیس کمیته ۵۰ نفره اصلاح قانون اساسی مصر روز شنبه در کنفرانسی مطبوعاتی با اعلام اینکه ۴۲ ماده جدید در قانون اساسی اضافه شده، تاکید کرد: تاسیس هرگونه حزب دینی براساس قانون جدید ممنوع است.

به گزارش اسکای نیوز عربی، عمرو موسی، رئیس کمیته مسوول اصلاح قانون اساسی مصر در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد: ۴۲ ماده جدید به قانون اساسی اضافه شده که در تمامی این ماده‌ها حق کارگران و کشاورزان محفوظ است.

وی با اعلام اینکه حق آموزش و بهداشت به عنوان حقوقی اساسی برای شهروندان مصری و نیز حق آزادی بیان حفظ شده، تاکید کرد: آنچه قانون اساسی جدید را متمایز کرده حضور نمایندگان گروه‌های مختلف مصری در تدوین این قانون است.

عمرو موسی درباره لغو مجلس شورا، به عنوان بخشی از پارلمان این کشور نیز گفت: تصمیم‌گیری درباره این مساله به پارلمان باز می‌گردد اما در قانون اساسی این مجلس لغو شده است.

وی همچنین خاطرنشان کرد: ما در تنظیم پیش نویس قانون اساسی جدید اظهارات ۹۱ هیات و نماینده از بخش‌های مختلف جامعه مصر را گوش داده و امروز درخصوص تمامی ماده‌های قانون اساسی توافق شده و هیچ ماده‌ای وجود ندارد که بحث درباره آن ادامه داشته باشد و یا در تعلق به سر برود.

درخصوص نظام انتخاباتی نیز عمرو موسی اعلام کرد: این دولت مصر است که درباره نحوه برگزاری انتخابات تصمیم می‌گیرد. درباره نظام انتخاباتی یک ماده وجود دارد اما در نهایت دولت درباره فردی یا

ادامه عملیات‌های آمریکا بر فراز مناطق مورد مناقشه چین و جاپان



پنتاگون اعلام کرد، با وجود آن که چین برای کنترل هواپیماهای آمریکا و جاپان در منطقه دفاع هوایی جدید جت‌های جنگنده به پرواز درآورده اما نیروهای آمریکایی به عملیات‌های «عادی» خود ادامه خواهند داد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، اطلاعیه چند روز اخیر چین مبنی بر گسترش منطقه دفاع هوایی‌اش بر جزایر مورد مناقشه میان پکن و توکیو از سوی چندین کشور نادیده گرفته شده و بمب‌افکن‌های B-۵۲ آمریکا نیز وارد این منطقه شدند.

استیو وارن، سخنگوی پنتاگون گفت: ما پروازهای منظمی داریم که در حال رفت و آمد بر فراز حریم هوایی بین‌المللی اقیانوس آرام هستند از جمله منطقه‌ای که چین آن را مشمول منطقه شناسایی دفاع هوایی خود می‌داند. این پروازها موافق با سیاست‌های آزادی جهت‌یابی آمریکا هستند که در بسیاری از مناطق عملیاتی سراسر جهان اعمال شده‌اند. می‌توانم تاکید کنم که آمریکا به عملیات‌های خود در این منطقه طبق روال عادی ادامه خواهد داد.

آمریکا، کره جنوبی، جاپان و دیگر کشورها پکن را با اعلام این منطقه دفاع هوایی به تشدید تنش‌های منطقه‌ای متهم کرده‌اند. اما چین با به پرواز درآوردن چند فروند هواپیمای جنگی از جمله دو فروند جت جنگنده احتمال وخیم‌تر شدن این وضعیت را افزایش می‌دهد.

شن جینکه، سخنگوی نیروی هوایی چین گفت: چند فروند هواپیمای جنگی به منظور شناسایی هویت هواپیماهای آمریکایی و جاپانی که وارد این منطقه دفاع هوایی شدند، به پرواز درآمدند. وی افزود، این هواپیماهای چینی دو فروند هواپیمای نظارتی آمریکایی و ۱۰ فروند هواپیمای جاپانی از جمله هواپیمای جنگی F-۱۵ را شناسایی کرده است.

از سوی دیگر روزنامه نیویورک تایمز گزارش داد، دولت آمریکا به خطوط هوایی تجاری این کشور تاکید کرده است تا اطلاعات پروازهای خود را در اختیار دولت چین قرار دهند. این اظهارات پس از آن مطرح شد که پکن تهدید کرد در صورتی که این اقدام رخ ندهد، هواپیماهای شناسایی شده را هدف قرار می‌دهد.

دولت آمریکا روز جمعه اعلام کرد، این درخواست از خطوط هوایی به دلیل آن انجام شده است که سرپیچی خطوط هوایی باعث بروز حوادث ناگواری نشود.

پوتین: تا سال ۲۰۱۵، ۱۱ ماهواره نظامی به فضا می‌فرستیم



رئیس‌جمهوری روسیه اعلام کرد، کشورش تا سال ۲۰۱۵ مجموعاً ۱۱ ماهواره نظامی را به فضا پرتاب خواهد کرد.

به گزارش خبرگزاری نووستی، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه طی کنفرانسی در نشست درباره توسعه ناوگان ماهواره‌ای روسیه عنوان کرد، در سال ۲۰۱۳ تاکنون پنج ماهواره نظامی به گروه ماهواره‌های نظامی روسیه پیوسته‌اند و پنج ماهواره دیگر نیز تا پیش از پایان سال به آن‌ها اضافه خواهد شد.

به گفته ولادیمیر پوتین، روسیه سال آینده میلادی شش ماهواره دیگر را نیز در راستای برنامه تامین تسلیحات دولت روسیه به فضا پرتاب خواهد کرد.

پوتین در سخنرانی خود نوع این ماهواره‌ها و این که آیا آن‌ها شامل ماهواره‌های کاربرد دوگانه سیستم موقعیت‌یاب گلوناس نیز می‌شوند را مشخص نکرد.

به گفته جنرال الکساندر گولفکو، فرمانده نیروهای دفاع هوافضای روسیه، این کشور در حال حاضر حدود ۱۲۰ ماهواره فعال را در مدار زمینی دارد و حدود ۸۰ ماهواره از میان آن‌ها نظامی و یا با کاربری دوگانه هستند.

السفير - ایسنا

کارت سرخ السیسی به اردوغان



می‌دهد در مصر هم اجرا کند که از جمله آن حمایت از گروه‌های مسلح در منطقه سیناء علیه ارتش مصر است.

در سایه دستگیری‌های گسترده‌ی که از رهبران اخوان المسلمین در مصر به عمل آمد، شایعاتی منتشر شد مبنی بر این که فعالیت‌های طرفداران مرسى توسط حزب توسعه و عدالت ترکیه هدایت می‌شود؛ کشوری که به عنوان یک طرف جدید در رویارویی با نظام تازه تاسیس مصر به میدان آمده بود.

این اردوغان بود که با هماهنگی و مدیریت این اقدامات، راه رویارویی با نظام جدید مصر را برای اخوان المسلمین تبیین کرد نه نشست‌های پی در پی اخوان المسلمین در استانبول ترکیه که بعد از عزل مرسى برگزار شد.

در سایه این فضای به وجود آمده، کاسه صبر عبدالفتاح السیسی لبریز شد و در اقدامی بی‌سابقه به اردوغان کارت قرمز نشان داد، اقدامی که تاکنون هیچ رهبری در جهان عرب آن را انجام نداده است.

مصر در اقدامی تلافی‌جویانه از طریق مخدوش کردن تصویر ترکیه در اذهان عمومی جهان و معرفی این کشور به عنوان کشوری درگیر با همسایگان خود، و کشوری که تمام هم‌پیمانان خود را در منطقه از دست داده، ضربه کوبنده دیگری به ترکیه وارد کرد.

گوشه‌گیری ترکیه و انزوای این کشور پس از آنکه دیگر جایگزینی در منطقه برای اعمال نفوذ و ایجاد تنش نداشت، به ویژه در سایه تیرگی روابطش با عربستان و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس بیش‌تر شد.

نشده است. ترکیه نظام جدید مصر را به رسمیت نشناخته است و آنچه را که در مصر رخ داده یک «کودتای نظامی» می‌نامد نه یک «انقلاب مردمی».

ترکیه حتی خواهان آزادی محمد مرسى، رئیس‌جمهوری سابق مصر و بازگشت مجدد وی به سمت ریاست جمهوری شده است.

در همین حال، انقاره با اظهارات اخیر اردوغان مبنی بر دعوت علنی از مردم مصر برای ادامه تظاهرات، سیاست تحریک مردم علیه نظام کنونی مصر را در پیش گرفته است. اردوغان در این دعوت علنی با دستا نشان نماد میدان «رابعه العدویه» را که از آن به عنوان نماد «درد بر رابعه» یاد می‌شود مشابه‌سازی کرد و این چیزی بود که ماهیت فکری اردوغان را نشان داد به نحوی که وی حتی خواهان پس گرفتن جایزه صلح نوبل از محمد البرادعی، معاون مستعفی رئیس‌جمهور مصر در روابط بین‌الملل شد.

اردوغان در یک اهانت بی سابقه به احمد الطیب، شیخ الازهر پا را از خط قرمزها نیز فراتر گذاشته و در مورد وی گفت: «هر کس از کودتا علیه مشروعیت حمایت کند، مرد دین نیست.»

به نظر می‌رسد روابط مصر و ترکیه به مرحله‌ی رسید که مقامات جدید قاهره گمان بردند که انتلافی میان اخوان المسلمین و حزب حاکم عدالت و توسعه در ترکیه وجود دارد.

و چه بسا برخی از اطلاعات هم بیانگر این است که ترکیه تلاش می‌کند تا مشابه اقداماتی که در سوریه انجام

با ادامه دخالت‌های ترکیه در مصر و انتقادات پیاپی رجب طیب اردوغان از مقامات این کشور، مصر دست از هشدار به انقاره برداشت و با اخراج سفیر ترکیه از قاهره و کاهش سطح روابط دیپلماتیک خود با این کشور، در نهایت کارت قرمز خود را به اردوغان نشان داد؛ کارت قرمزی که برای مقامات انقاره اصلاً خشنود کننده نبود و به انزوای بیش‌تر ترکیه در منطقه انجامید.

اقدام اخیر مصر در کاهش سطح روابط دیپلماتیک با ترکیه و رساندن آن به سطح کاردار، به این معناست که مصر رسماً خواهان قطع روابط با مقامات حزب حاکم «عدالت و توسعه» در ترکیه به ریاست رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر این کشور است.

شاید این اقدام مصر خیلی دیر صورت گرفت، چرا که از زمان «انقلاب ۳۰ جون» در مصر انتقادات اردوغان و احمد داوود اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه از مقامات جدید مصر به ویژه عبدالفتاح السیسی، وزیر دفاع این کشور همچنان ادامه دارد.

میزان دخالت‌های ترکیه در امور داخلی مصر به حدی رسیده است که اگر اتفاقی در مصر رخ دهد، گویا این اتفاق جزئی از امور داخلی ترکیه است. این میزان از دخالت‌های ترکیه در مصر با هدف سوءاستفاده از رخدادهای داخلی این کشور به نفع سیاست داخلی ترکیه است. از جمله این‌که به ارتش ترکیه این پیام داده شود که در اندیشه برکناری دولت و انجام اقدام نظامی مشابه مصر در این کشور نباشد.

اما مساله به اینجا ختم نمی‌شود و آنچه در مصر رخ می‌دهد حتی از حساب و کتاب و کتاب‌های داخلی ترکیه نیز پا را فراتر نهاده است؛ به نحوی که می‌توان گفت خشم ترکیه درباره مصر، واکنشی طبیعی است به ضربه شدیدی که مردم مصر در «انقلاب ۳۰ جون» به طرح‌های ترکیه در منطقه زدند؛ چراکه این اقدام مردم مصر، دومین پایگاه و تکیه‌گاه استراتژیک ترکیه یعنی اخوان‌المسلمین را در هم شکست.

چنانکه اولین تکیه‌گاه استراتژیک انقاره یعنی براندازی نظام بشار اسد، رئیس‌جمهوری سوریه نیز با پیشروی‌ها و دستاوردهای ارتش سوریه پیش از این‌ها در هم شکسته بود.

همانگونه که اسرائیل با برکناری رژیم حسنی مبارک، رئیس‌جمهور سابق مصر از قدرت، «گنجی استراتژیک» را از دست داد، ترکیه نیز با سقوط نظام اخوان‌المسلمین در مصر، «گنج استراتژیکش» را از دست داد.

دخالت‌های ترکیه در امور داخلی مصر به سطحی بی‌سابقه و نادرست در روابط کشورها با یکدیگر رسیده است که تاکنون در روابط میان دو کشور مستقل مشابه آن دیده

تأثیر فرهنگ یونانی بر تمدن امروز اروپایی

داوود خدابخش

۴. تساوی در برابر قانون

اعضای جامعه شهروندی با گام گذاردن به فضای همه گانی و در تماس با یکدیگر به تدریج درمی یابند که «هم نوع» (h - moioi) و «همسان» (isoi) هستند. آن چه که موقعیت یک فرد را در این جامعه تضمین می کند، دیگر کارکرد ایجازی - مذهبی وی نیست که توسط آن در میان جماعت احترام کسب کرده است. سنجیداری که فرد در این جامعه با آن محک می خورد، توانمندی اوست که از یک سو در کنار هم ردیفان

می کند: ۱- ستایش خداوند ذیل قدرت دولت قرار می گیرد و یک کیش دولت شهری شکل می گیرد که به همان دولت شهر و منطقه آن محدود است. این پدیده در واقع به بی طرفی امر دینی منجر می شود. از این پس، این امر سیاسی است که امر دینی را تعیین می کند و نه برعکس، آن گونه که هنوز در جوامع باستانی عمل می کرده است. ۲- در واکنش به این فرآیند، شکل های خصوصی از امر دینی پدید می آیند، مانند اسرار خدایان، برادری های دینی، گمانه زنی های فلسفی درباره خدایان و بالاخره تمام آن چه که مردمان از آن پس در مغرب زمین «دین» نامیدند.



۶. تمایز میان «قانون» (nomos) و «طبیعت» (physis)

«معجزه یونانی» زمانی کامل شد که آخرین چرخش در برابر دولت قدسی پیشین روی داد، و آن این ایده است که انسان مجاز است در قانونی که خود وضع کرده است، دست برده و آن را تغییر دهد؛ و این که نظام اجتماعی می تواند همواره مورد نقد و سنجش و بازبینی قرار گیرد و دستخوش دگرگونی شود. در واقع در این لحظه است که «سیاست» به معنای واقعی خود پدیدار می شود. دیگر تنها بحث قدرت و قهر اجرایی در میان نیست که کنش جمعی مشخصی را در چارچوب آیین و رسوم موجود و هرم (هیرارشی) اجتماعی تعیین می کند (زیرا دولت های قدسی نیز از این گونه بحث های مشورتی داشته اند. انسان شناسان (آنتروپولوگ ها) نشان داده اند که حتا در «جوامع بدون دولت» نیز چنین مشورت هایی صورت می گرفته است).

در این جا بیشتر یک بحث جدی همه گانی درباره قواعد یک هم بازی اجتماعی صورت می گیرد. پیش شرط این چرخش، آگاهی یافتن نسبت به یک «خودربری» نظام اجتماعی در برابر نظام طبیعی پیش از آن بود. انسان می بایست درمی یافت که دو نوع نظم متمایز از یکدیگر وجود دارد: یکی نظم برین و ناپدیدار است که همانا نظم «طبیعت» (physis) می باشد، و دیگری نظم ساخته و پرداخته انسان است که منوط به شرایط زمانی و مکانی است و تغییرپذیر، نقدپذیر و اصلاح پذیر است و آن را نظم «قراردادی» (nomos) می نامند که برآیند یک «قرارداد» میان انسان هاست. این بدعت و ایده به طور مشخص در اواسط تا اواخر سده پنجم پیش از میلاد، یعنی در دوره سوفسطاییان شکل گرفت.

یافت اندیشه علم

یونانی ها با دست یابی و شناخت عقلانیت نقد و سنجش گر و تساوی در برابر قانون، هم زمان «علم» را نیز بدعت گذاردند. درک این مسأله مهم است که «دولت شهر» و «علم» ابداعاتی نبودند که به طور تصادفی از پی یکدیگر به وقوع پیوندند و مستقل از یکدیگر عمل کنند، بلکه این دو بیشتر

یکدیگر را می پروراندند و تکمیل می کردند. در آن برهه هر اندازه که بر استحکام و پایداری دولت شهروندی افزوده می شد، به همان اندازه از استیلاي قدرت دین باستانی می کاست. دین باستانی دیگر در موقعیتی نبود که فرد انسان را وادار تا به اعتقادات اسطوره ای یکسانی باور آورند. بر این اساس، عالمان و اندیشه ورزان می توانند فرضیه های گوناگونی درباره جهان طرح کنند، هم چنان که سخنوران سیاسی پیشنهاد های نوآورانه را برای کنش های عمومی ارایه می دهند. بنابراین یونانی ها چنان گامی در جهت «علم» برداشتند که حوزه های تمدن میان رودان (بین النهرین یا مزوپوتامیا) و مصر هنوز در چنین موقعیتی نبودند.

«فیلیپه نمو»، استاد فلسفه اقتصاد دانشگاه پاریس به نقل از «آندره پیشو»، استاد فرانسوی تاریخ علم می نویسد که علم دو مسیر متفاوت را طی کرده است: یکی «مسیر اشیاء» است و دیگری «مسیر ذهن علمی». علم سنتی پیش از شکل گیری دولت شهر های یونانی «مسیر اشیاء» را طی می کرده است. به واقع هم انسان در آن هنگام فنون زیرکانه و گسترده ای را برای انواع موضوع های علمی در اختیار داشت و به کار می برد؛ برای مثال در مورد ستاره گان و اجرام آسمانی، اعداد و بیماری ها. ولی این فنون هرگز شکل نظریه به خود نگرفتند، یعنی شکل یک گفتمان تجربی که بازگویی قواعد فراگیر و ضرور باشد و تابع قواعد کیهانی گردد. در حالی که در پی شکل گیری دولت شهر های یونانی پژوهش های علمی شکل نظری به خود گرفت؛ به عبارت دیگر، دو مسیر «اشیاء» و «ذهن علمی» در آمیختند. این تحول فکری به سده های کلاسیک یونان باستان، به ویژه به دوره هلنیسم و نیز به دوران یونانی - رومی بازمی گردد.

شکل گیری «مدرسه»

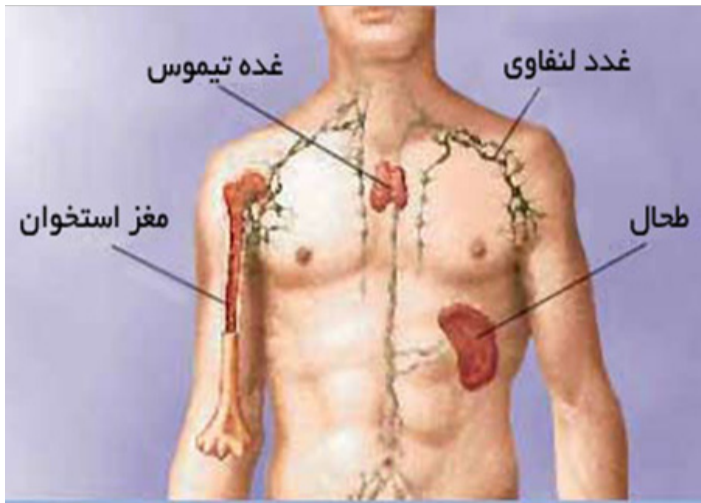
بازایش علم، نهادی به نام «مدرسه» نیز شکل می گیرد، که باز یکی دیگر از ابداعاتی است که تمدن اروپایی از یونانی ها به ارث برد. نهاد «مدرسه» حیات خود را از نسل ارسطو و اسکندر کبیر آغازید و تا عصر حاضر در جامعه مغرب زمین اعتبار خود را حفظ کرده است.

جامعه باستانی «مدرسه» نمی شناخت و اگر چه دارای خط بود، ولی در مقایسه با علم یونانی، تنها دارای «مکتب نگارش» و آموزشگاه های عملی برای فراگیری یک رشته فنون تخصصی بود. این در حالی است که در جامعه نوین یونان کلاسیک علم به منزله فعالیت ذهن و هوش، راه خود را از فعالیت های فنی، ورزشی و نظامی جدا می کند و به نهادی برای انتقال دانش به جوانان بدل می شود.

در مرحله آغازین شکل گیری «مدرسه» می توان از محافل موسوم به «برادری آموزگاران» نام برد، برای مثال نزد فیثاغورثی ها و آموزه های خصوصی سوفسطاییان. یونانی ها بر پایه این محفل ها یک نظام آموزشی مبتنی بر نهاد «مدرسه» را بنیان گذاردند. خواندن و نوشتن و حساب ساده دوره آموزش ابتدایی را تشکیل می داد و در دوره متوسطه تلاش می شد در کنار تدریس دستور زبان و ادبیات، ذهن کاوش گر و تحلیل گر و دانش عمومی نیز به دانش آموز انتقال یابد و زمینه های یک آموزش عالی تر در گستره فلسفه، سخنوری و پزشکی فراهم آید.

بعدها جهان لاتین زبان رومی همین نظام آموزشی یونانی را به عاریت گرفت، با این تفاوت که یک عنصر جدید را نیز بدان افزود. این عنصر جدید و پر مهم، «حق» یا به طور کلی نظام حقوقی ساخته و پرداخته جمهوری روم بود.

خون چه طور سرطانی می شود؟



سرطان خون یا لوسمی یا لوکمیا، بیماری پیش رونده و بدخیم اعضای خون ساز بدن است؛ اما در صورت تشخیص به موقع، در مواردی تا ۹۰ درصد قابل درمان می باشد.

در میان انواع سرطان های خون، سرطان های خون حاد AML از انواع شایع سرطان خون در دنیاست.

هیچ پزشکی نمی تواند بر اساس تعداد بیماران خودش، آماری از مبتلایان به انواع سرطان خون بدهد؛ زیرا موقعیت علمی و شهرتی که یک پزشک در جامعه دارد، نوع بیمارانش را مشخص می کند. این احتمال وجود دارد که توجه بیماران سرطانی به یک پزشک بیشتر شده باشد. بنابراین از لحاظ علمی هیچ پزشکی نمی تواند آمار درستی از بیماران سرطانی بدهد. اما در مراجع کلی، سرطان CLL در ایالات متحده بیشتر است، و در آسیای جنوب غربی شیوع کمتری دارد که شاید دلیلش این باشد که تعداد سالمندان در امریکا بیشتر است و CLL نوعی بیماری سالمندی است.

سرطان خون چیست؟

منظور از لوسمی، افزایش سلول های خونی سفید است که به گلبول سفید معروف هستند. بخشی از وظایف سلول های اجدادی موجود در مغز استخوان، ساخت گلبول های سفید به منظور تأمین سیستم دفاعی بدن است. دو گروه گلبول سفید در بدن وجود دارد. یک گروه از خانواده لنفوسیت ها هستند و یک گروه غیر لنفوسیتی که به اصطلاح به آن گرانولوسیت گفته می شود. وقتی این ها دچار سرطان می شوند، یعنی سلول های اجدادی مغز استخوان دیگر تابع قانون طبیعی رشد و تقسیم سلول نیستند و به صورت لجام گسیخته شروع به تکثیر بی رویه سلول ها می کنند. منظور از لوسمی به طور کلی، یعنی تکثیر بی رویه سلول های اجدادی گلبول های سفید در مغز استخوان.

انواع سرطان خون

اگر تکثیر بی رویه سلول های اجدادی گلبول های سفید در مغز استخوان ادامه داشته باشد و مانع بلوغ سلول ها شود و این سلول ها مدام مشابه خودشان را تولید کنند و به شکل نارس در مغز استخوان تجمع پیدا کنند، به آن لوسمی حاد گفته می شود. اما اگر تولید در مغز استخوان افزایش پیدا کند و بلوغ هم مهار نشود، به این حالت لوسمی مزمن گفته می شود. لوسمی های حاد و مزمن هر دو به دو دسته تقسیم می شوند؛ لوسمی هایی از خانواده لنفوسیت و لوسمی های از خانواده غیر لنفوسیت ها.

تشخیص چه طور انجام می شود؟

به طور کلی، سرطان های خون وقتی مشخص می شوند که دیر شده است؛ اما با آزمایش خون ساده می توان به راحتی لوسمی CML را تشخیص داد. یکی از نشانه های سرطان خون، کمبود گلبول سفید و پلاکت است. اما تعداد گلبول های سفید و پلاکت به تنهایی تعیین کننده سرطان نیست و هیچ آزمایش تشخیصی برای سرطان خون وجود ندارد.

درمان چه گونه انجام می شود؟

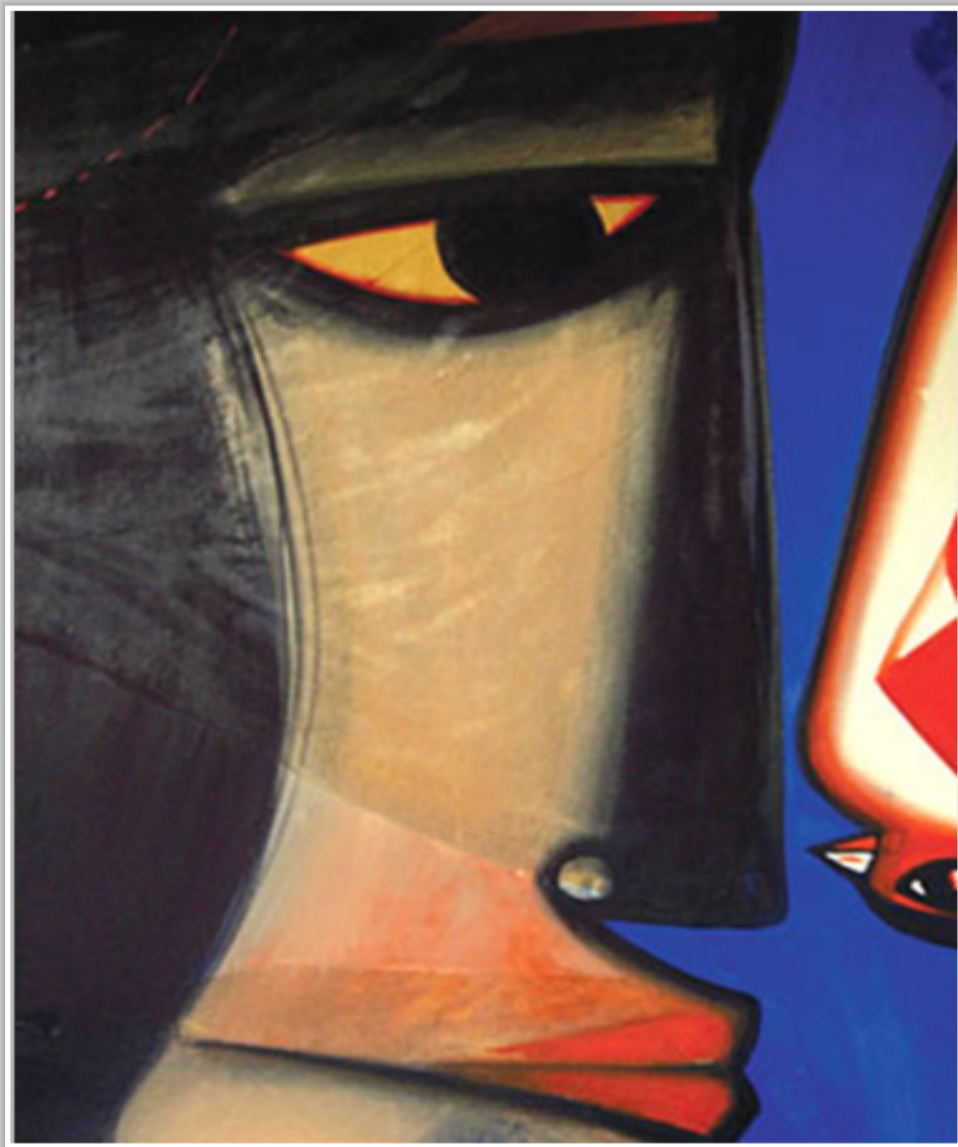
در مورد درمان سرطان مزمن غیر لنفوسیتی، تا ۲۰ سال قبل در نهایت ۳ تا ۵ سال بر طول عمر بیمار افزوده می شد و بعد از مدتی بیماری سر ناسازگاری برمی داشت. با پیدا شدن درمان های جدید که به آن هدف درمانی گفته می شود، داروهایی ساخته شده که از رشد سلول به صورت بیولوژیک جلوگیری می شود و دیگر این طور نیست که داروی شیمی درمانی مانند سم وارد بدن شود و سلول طبیعی هم آسیب ببیند.

با داروهای جدیدی که از خانواده های مهارکننده تیروزین کیناز هستند، دارو وارد سلول می شود و حیات سلول را به صورت بیولوژیک مختل می کند. حدود ۸۰ درصد بیماران CML (لوسمی مزمن غیر لنفوسیتی) با این روش جدید درمان شده اند. در لوسمی مزمن لنفوسیتی با استفاده از آنتی بادی های مونوکلونال طول عمر بیماران افزایش پیدا کرده و اگر تا مدتی قبل ۵ سال بود، در حال حاضر به ۸ سال رسیده است.

در مورد انواع لوسمی های حاد متأسفانه با وجود همه تلاش هایی که انجام شده، درمان این افراد با ۲۰ سال قبل هیچ تفاوت قابل توجهی ندارد. تنها امیدی که در چند سال اخیر جان گرفته، پیوند مغز استخوان است که اگر بتوان با شیمی درمانی به صورت موقت سلول های سرطانی را سرکوب کرد و بیماران دهنده مناسب برای مغز استخوان پیدا کنند، می توان آن ها را تحت پیوند مغز استخوان قرار داد. اگر شانس نجات بیمار با شیمی درمانی ۲۰ درصد باشد، با پیوند به ۵۰ درصد می رسد.

هنر قهرمان شریفی ندارد

مرتضی گودرزی دیباج
بخش دوم و پایانی



در هنر جدید چون پیش‌شرطی جز اراده فرد برای اجرا وجود ندارد، نه تنها دسترسی برای هنرمند شدن در زمان کوتاه و بدون صرف زمان و حتا وقت! بسیار آسان است، بلکه به دلیل ابهام در تعاریف به همان میزان «توجیه‌پذیری» و «بازی با الفاظ» راحت‌تر است، به طوری که گاه مخاطب در مواجهه با اثر هنری احساس می‌کند که با یک کار شوخی روبه‌روست و مرز میان شوخی و جدی نیز از میان رفته است. در چنین شرایطی، میان شجاع‌ترین هنرمند و حقیرترین هنرمند، هیچ فاصله‌یی نیست!

نگرش مجدد به جهان از دریچه دیگری است. ۲- آزادی از محورهای مهم و ویژه‌گی‌های برجسته آن است. بلکه افتخار آن و مایه جذابیت این هنر، آزادی در ارایه اندیشه، احساس، موضوع و تکنیک و به‌طور کلی «بیان» است. مسأله‌یی که در هیچ دوره‌یی در عالم هنر این‌قدر لجام‌گسیخته مطرح نبود. ۳- محدود نشدن به شرایط و جهان موجود، گام بیرون نهادن از دایره تنگ و بسته رویداد و گریز از تاریخ‌نگاری محض، فراتر رفتن از زنده‌گی روزمره و آزادی خیال، ویژه‌گی دیگر هنر مدرن است. ۴- از دیگر ویژه‌گی‌های هنر نو، شک در سنت است. این تردید در سنت تا جایی پیش می‌رود که به نفی آن می‌انجامد. ۵- پویایی از دیگر خصوصیات مهم هنر جدید است. این پویایی در مقابل ایستایی و بعضاً یک‌نواختی هنر گذشته، یکی از امتیازات ارزشی هنر مدرن و از مواردی است که این هنر همواره به آن مباحث می‌کند. ۶- نوآوری از ویژه‌گی‌های بارز هنر جدید است. نوآوری و تأکید بر آن در مقوله هنر نو به عنوان یک اندیشه برتر دارای اصالت است. در این مقوله هر «ارایه نو» دارای ارزش می‌گردد که بقیه معیارهای لازم برای کیفیت اثر هنری را با هر تعریفی تحت تأثیر قرار می‌دهد. ۷- حرکت به جلو و کوشش برای تکامل از چشم‌اندازهای هنر جدید است. ۸- حذف مسائلی متفاوتی و حتا معنوی از دیگر ویژه‌گی‌های هنر جدید است. هر چند زمینه‌های این حرکت از متفاوتی یک و عالم ماوراء به طرف مادی کردن هنر، از سانس آغاز شد. زمینی و متجسد کردن هنر، همه‌چیز را در محاسبه فرم و فضا و تناسب مادی جست‌وجو کردن، مطالعه اتمسفر طبیعی و جنسیت‌سازی، کالبدشناسی علمی، تأکید بر انسان و تبدیل کردن قیافه‌های نوعی، مثالی و خیالی به انسان‌های معمولی، زمینی و قابل لمس از مواردی بود که در این حرکت نزولی انجام گرفت. اما از قرن نوزدهم با زمینه‌هایی که نیچه و پیروان او فراهم کرده بودند، امپرسیونیسم آخرین بقایای معنویت را به بهانه نگاه به طبیعت به کنار نهاد و تأثرات حسی هنرمند را به جای آن نشاناد. سپس رفته رفته در ابتدای قرن بیستم این تأثرات حسی نیز به بیان‌های دیگر تغییر یافت و اساس تعاریف پیشین در هم ریخت و هنر در لایه‌های متقاضی از بیان و قالب، ابهام و مدعاهای حیرت‌انگیز روزافزون فرو رفت. ۹- از دیگر ویژه‌گی‌های هنر مدرن اصرار بر فردگرایی است. علی‌رغم تعاریف مختلف و لبانیه‌هایی که گروه‌ها جریان‌ها و نهضت‌های نوگرا در دهه‌های اخیر ارایه کرده‌اند و تحت عنوان وارد کردن مخاطب در درون اثر هنری، درگیر کردن فکر و ذهنیت مخاطب و طرح مطالبی از این دست، هنر مدرن به‌شدت به مخاطب بی‌توجه و بلکه آن را حذف می‌کند. ۱۰- با این حال علی‌رغم ویژه‌گی‌های دیگری که در مورد هنر جدید یا کانسپچوال آرت می‌توان برشمرد، اما پرداخت به آسیب‌شناسی برخی از مواردی که برشمرده شده‌اند، می‌تواند نکاتی چند را روشن سازد: ۱- مدرنیته که هنر مدرن و هنر جدید از تجلیات آن است، در رفتار خود که در قالب هنر جدید یا هنر نو، کانسپچوال یا نام دیگری که بر آن بتوان نهاد، ارایه می‌گردد، دارای «ویژه‌گی‌های رفتاری» است که نه تنها در درون خود تناقضاتی را در بر دارد، بلکه خود هنر و تعاریف پیرامون آن را دچار مشکل و هر محقق‌ی را از ارایه ملاک و معیاری برای شناخت و سنجش آثار هنری بازمی‌دارد: ۱- آزادی یکی از اولین و بلکه شاخص‌ترین ویژه‌گی‌های هنر

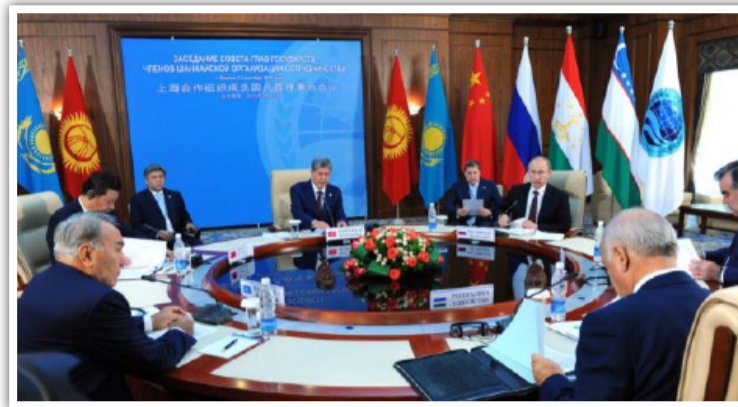
مدرن است. اما آیا واقعاً هنرمند معاصر آزاد است؟ امروزه ظاهراً امتیازات انحصاری طبقاتی از میان رفته است، اما با کمی تعمق می‌توان دریافت که از نظر بنیادی و جامعه‌شناسی رابطه ظاهری میان دو قطب استثمار یعنی استثمارکننده و استثمارشونده تلطیف شده، اما در عین حال عمق و اندازه آن به مراتب تشدید شده است. این تلطیف ظاهری و ریاکاری شبه‌انسانی آمیخته با آداب و ادبیات بورژوازی جدید، بسیاری از نیمه‌روشن‌فکرانی را که احساس مردمی دارند و خود را فیلسوف علمی نیز می‌دانند، فریب داده است. در حالی که هر کسی اندکی با جامعه‌شناسی نظام‌صنعتی آشنایی داشته باشد و با پیشین علمی به سرنوشت انسان‌های محکوم در این نظام بنگرد، بی‌شک خواهد برد که چه‌گونه سرمایه‌داری جدید که به بوروکراسی، تکنوکراسی و جادوی ماشینیسم مجهز است، استثمار جمعی نیروی کار و حتا فکر را صدها برابر شدیدتر، عمیق‌تر و سنگین‌تر کرده است. به عنوان نمونه این نظام پیچیده در راستای سرگرم ساختن طبقات استثمار شده با خلق وابسته‌گی‌های مجعول و مجهول، رسانه‌ها را به عنوان ابزارهای نیرومند وارد میدان کرده است. رسانه‌ها که هم علت و هم معلول «انقلاب رسانه‌ها» هستند - که هنوز بیش از ربع قرن از آن نمی‌گذرد - و اکنون عصر آن‌هاست، با استفاده از انواع علوم روان‌کاوی فردی و اجتماعی، جامعه‌شناسی علمی، اقتصاد و فرهنگ و هنر و عقیده و ذائقه و دوست داشتن‌ها و نفرت‌ها را می‌سازند یا نابود می‌کنند و همه در خدمت سرمایه‌داری عظیم و پنهان به صورت کنش‌مند و خزنده، تبلیغ اصالت اقتصاد و تحقیر احساس و عاطفه و ارزش‌های اخلاقی و معنویت‌گرایی را سرلوحه فعالیت خود قرار داده‌اند. جامعه و انسان از یک‌دیگر جدایی‌ناپذیرند. نوآوری از دیگر ویژه‌گی‌های هنر نوین است. بلکه در این بیان هنری، از ویژه‌گی‌های اصیل است. اما نوآوری در این مقوله نمی‌تواند ملاکی کاملاً منطقی و علمی داشته باشد؛ زیرا اصالت در نوآوری هنری همواره نسبی است و در این راستا اثر هنری نو با آثار «موجود» و «پیشین» سنجیده می‌شود. اتکای اثر در سنجش نو یا کهنه بودن به آثار دیگر، استحکام این نظریه را زیر سوال می‌برد. ۲- هنر نو در رفتار، هرچه غیر خود را نفی می‌کند. در این میان اگر مخاطبی اثری را رد کند و نپذیرد، منتهم به عدم درک و نفهمی شده و اگر تأیید کند و بپذیرد، فهمیده و باشعور تلقی می‌گردد. در واقع در چنین فرایندی همواره باید اثر را مثبت تلقی کرد و هنر نامید. در حالی که منطقی ممکن است اثری توسط مخاطب تأیید شود که درست به دلیل این‌که فهمیده نشده است! و اثری رد و نفی گردد، درست به دلیل این‌که فهمیده شده است! بنابراین در این نگاه «نفی انگارانه»ی هنر جدید، نوعی استبداد پنهان - و حتا گاه آشکار - نهفته است

که به هیچ وجه با آزادی که در ابتدا به آن افتخار می‌کرد، منافات دارد. - در هنر جدید اراده شخصی هنرمند، ملاک خلق اثری هنری است و نیازی به پیش‌شرط دیگری هم‌چون توانایی، ابتکار، آموزش و احساس متعالی ندارد. ایده یعنی جسارت و اراده به اجرا. در این‌جا ایده، خود هنر است. با چنین ملاکی، هر کس بگوید کارش هنر است پس هنر است، همان مدعایی که «دوشان» ارایه کرده بود. این مقوله سخن «ژان لویی فریه» را تأیید می‌کند که «اگر همه چیز هنر است، هیچ چیز هنر نیست». این پدیده را سال‌ها پیش از این کاندینسکی نیز پیش‌بینی و دریافته بود: هنر چنان تخصصی می‌گردد که تنها برای هنرمندان قابل درک خواهد بود و آنان از بی‌تفاوتی همه‌گانی نسبت به آثارشان به تلخی گله می‌کنند. [...] هنر مدرن از سوی گروه کوچکی از هواداران و منتقدان هنری - که تصادفاً برای آن‌ها حرفه‌یی بسیار سودآور است - تحسین می‌شود. [...] غلبه بر هنر ساده به نظر می‌آید. رقابت سربرمی‌آورد و بر سر موفقیت‌های مادی نبردی وحشیانه درمی‌گیرد. در چنین فرایندی مرز میان هنر و غیر هنر از بین می‌رود و هیچ ملاکی برای سنجش آثار وجود ندارد. - در هنر جدید چون پیش‌شرطی جز اراده فرد برای اجرا وجود ندارد، نه تنها دسترسی برای هنرمند شدن در زمان کوتاه و بدون صرف زمان و حتا وقت! بسیار آسان است، بلکه به دلیل ابهام در تعاریف به همان میزان «توجیه‌پذیری» و «بازی با الفاظ» راحت‌تر است. به طوری که گاه مخاطب در مواجهه با اثر هنری احساس می‌کند که با یک کار شوخی روبه‌روست و مرز میان شوخی و جدی نیز از میان رفته است. در چنین شرایطی، میان شجاع‌ترین هنرمند و حقیرترین هنرمند، هیچ فاصله‌یی نیست! - پرداختن به موارد آسیب‌پذیری هنر جدید، مجال فراوان دیگری می‌طلبد. اما با تأکید بر این‌که این هنر انرژی و با امکانات بیانی بیشتر، نوآوری، نگاه به جلو و مواردی از این قبیل می‌تواند یکی از امکانات خوب بیان هنری باشد و اگرچه تجرّج، نگاه دگم و حسرت‌بار به گذشته و بدون برنامه‌ریزی برای حال و آینده و خیال‌پردازی دست‌نیافتنی نسبت به گذشته، همواره سدی در برابر پیشرفت و «به روز اندیشی»، نوپردازی و نوگرایی، پویایی و جست‌وجو است، اما عنان‌گسیخته‌گی، تبلیغ «شارلاتانیسم» و دغل‌کاری‌های شبه‌هنری به جای هنر و فریب مخاطب و بازی با الفاظ بجای ارایه حقیقت نیز مانع از جست‌وجوی حقیقی در باب هنر و ساختن اندیشه و هدایت توانایی‌های جوانان می‌گردد و آن‌ها را به تصور این‌که واقعاً آن‌چه که ارایه می‌گردد هنر است، در خلّسه فضایی خیالی غوطه‌ور کرده و از حقیقت متعالی هنر دور می‌سازد.



هند به کشورهای عضو سازمان شانگهای:

در بازسازی افغانستان پیش قدم شوید



وزیر امور خارجه هندوستان یک بار دیگر پشتیبانی کشورش را از گفت‌وگوهای صلح حکومت افغانستان با مخالفان مسلح این کشور ابراز داشت. خانم سوجاتا سنگه دیروز به سران سازمان همکاری شانگهای در شهر تاشکند گفت: « ما باور داریم که با حمایت از گفت‌وگو صلح تحت رهبری افغان‌ها با مخالفین می‌تواند به یک راه حل درازمدت دست یافت در صورتی که این گروه‌ها به قواعد پذیرفته شده جامعه بین المللی احترام بگذارند.» نماینده دهلی اظهار داشت که سازمان

در حاشیه این کنفرانس ملاقات کرد. نخست وزیران چین، قرغزستان، روسیه، تاجکستان و ازبکستان کشورهای عضو سازمان همکاری های شانگهای در این اجلاس شرکت کردند. نماینده گانی از افغانستان، هند، ایران، پاکستان و منگولیا نیز به عنوان کشورهای ناظر این سازمان اشتراک داشتند. وزیر خارجه هند در حالی پشتیبانی کشورش را از گفت‌وگو های صلح تحت رهبری افغان ها تکرار کرد که نخست وزیر کشور همسایه اش پاکستان طی سفر یک روزه از کابل بازدید می کند. قبل از این پاکستان بارها از نفوذ هند در افغانستان ابراز نگرانی کرده است. برخی از ادارات و مقام‌های پاکستانی در مورد اینکه پس از خروج نیرو های خارجی از افغانستان این کشور احتمالاً به میدان جنگ میان هند و پاکستان مبدل خواهد شد، ابراز نگرانی کرده اند. حکومت افغانستان در پاسخ نگرانی‌های پاکستان همواره تاکید کرده که افغانستان خواهان روابط نیک با کشورهای منطقه بوده و هیچگاه اجازه نخواهد داد که از این کشور بر ضد کشوری دیگر استفاده شود.

۲ زندانی گوانتانامو نمی‌خواهند به کشورشان بازگردند!



کانادا و بوسنی هرزگوین، دو کشوری که سابقاً در آنجا زندگی می‌کرده‌اند، هستند.

دولت آمریکا منطق است. وی گفت که آمریکا زندانیانش را به کشورهایی که ممکن است در آنجا تحت شکنجه قرار بگیرند، نخواهد فرستاد. اما اعتراض بلقاسم بن سیاح و جمال عامریان به انتقالشان باعث پیچیده شدن تلاش دولت باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا برای تعطیل کردن زندان گوانتانامو و روند انتقال زندانی‌های این مرکز در کوبا می‌شود. این دو تن به ترتیب خواستار بازگشت به

سکولاریسم فرانسه در مخالفت با اسلام

برخی از دانشگاه‌ها وجود دارد. این بحث این است که آیا دانشجویان مسلمان دختر اجازه پوشیدن روسری در کلاس‌های خود را دارند یا خیر. همچنین یک پیشنهاد نیز مطرح شده مربوط به اینکه زنان مشغول به پرستاری از بچه در خانه‌ها نسبت به بی‌طرفی مذهبی خود مورد پرس و جو قرار گیرند. اوایل سال جاری میلادی نیز یک دختر مسلمان فرانسوی به دلیل پوشش از مکتب اخراج شد. وی دامنی بلند و یک روسری به سر داشت که از نظر مقامات لباس مذهبی آشکار به شمار می‌رفت. سال گذشته میلادی نیز یک شورای محلی در فرانسه تصمیم مربوط به اخراج چهار تن از کارکنان خود را به دلیل اینکه در ماه رمضان روزه بوده و طی روز اقدام به خوردن نکرده بودند، لغو کرد. آن‌ها عقیده داشتند که روزه گرفتن این چهار کارمند باعث به خطر افتادن مراقبت از کودکان می‌شود. همچنین طی روزهای اخیر نیز بحث دیگری از سوی یک دادگاه اداری شهر گرونوبل مطرح شده است و آن این است که زندان‌های محلی باید برای زندانیان مسلمان غذای حلال فراهم کنند. ژان بوبرو، کارشناسی که در زمینه مذهب و سکولاریسم فعالیت می‌کند، گفت که حکم مربوط به مهد کودک‌ها یک سابقه حقوقی خطرناک ایجاد می‌کند.

حکم مهم دیگری از سوی دادگاهی در فرانسه در ارتباط با پوشش مسلمانان در این کشور، هرچه بیشتر فشارها را بر اقلیت مسلمان فرانسه افزایش خواهد داد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، اخیراً یک دادگاه شهر پاریس حکم داد که مهدکودک‌ها حق دارند پرستار کودک‌ها را که در پوشیدن حجاب در سرکار اصرار دارد، اخراج کنند. با این حکم زنان مسلمان فرانسوی که به منظور انجام وظیفه مذهبی خود روسری به سر می‌کنند با محدودیت آزادی خود در داشتن حجاب مواجه خواهند شد. در بطن این مناقشه یک سوال مطرح است و آن این است که آیا قوانین سختگیرانه فرانسه درخصوص به نمایش گذاشتن نمادهای مذهبی در مدارس و نهادهای دولتی قابل اجرا در مهدکودک‌های خصوصی نیز هست یا خیر. در ماه مارچ یک دادگاه سطح پایین فرانسه علیه این تصمیم رای داد اما به دنبال انتقادات گسترده در عرصه سیاسی فرانسه نسبت به این حکم روز چهارشنبه گذشته یک دادگاه استیناف این حکم را لغو کرد. پیش از آنکه این مساله به طور قطعی حل و فصل شود احتمالاً مناقشات حقوقی بیشتری مطرح خواهند شد اما این مساله که کارفرمایان خصوصی می‌توانند به کارمندان خود بگویند چطور براساس اصل بی‌طرفی مذهبی در قوانین فرانسه پوشش داشته باشند مدت‌هاست در این کشور جا افتاده است.

بوبرو افزود: ما به نام سکولاریسم حاکمیت قانون را کنار گذاشتیم و واقعیت این است که این سکولاریسم برخی مسائل کم ارزش‌تر برای ما را می‌پوشاند. وی افزود: به عنوان مثال اخیراً به طور جدی بررسی می‌شود که آیا می‌توان جلوی مادران با حجاب را از همراهی با فرزندانشان به مکتب گرفت یا خیر. اما چطور ما با برانگیختن این زنان علیه خود می‌توانیم در فرانسه یکپارچگی ایجاد کنیم؟ وی تاکید کرد: آنچه که ما انجام می‌دهیم ایجاد یک سکولاریسم جدید است، سکولاریسمی که با سختگیری بیشتری با اسلام به نسبت مذاهب دیگر برخورد می‌کند. در حالی که در عمل براساس قانون اساسی همه مذاهب و نژادها با یکدیگر برابر هستند.

فرانک فرگوسی، یک کارشناس مرکز پژوهش ملی فرانسه اظهار داشت: تا به حال مساله بی‌طرفی مذهبی منحصر به یک مساله مربوط به بخش دولتی بود، مساله این است که برخی تحولات اخیر از جمله تحولات مربوط به حکم روز چهارشنبه منحصر در مخالفت با مسلمانان بوده‌اند حتی اگر که دولت فعلی به نسبت دولت‌های قبلی کمتر با اسلام تقابل داشته است. از جمله تحولات اخیر مساله مربوط به انتشار منشور سکولاریسم در مدارس در ماه سپتامبر بود. دلیل بویکر، رئیس شورای مسلمانان فرانسه در آن زمان اظهار داشت که ۹۰ درصد از جمعیت پنج میلیونی مسلمانان فرانسه این منشور را در مخالفت با خود می‌دانند. نگرانی‌های مشابهی نیز نسبت به یک بحث در



داور فینال جام جهانی ۲۰۰۶: از اخراج زیدان پشیمان نیستم



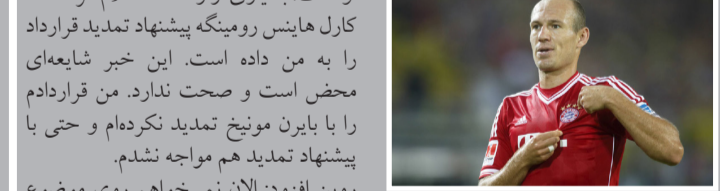
اوراسیو الیزوند از تصمیم خود برای اخراج زیدان در بازی فرانسه و ایتالیا در جام جهانی ۲۰۰۶ پشیمان نیست و می‌گوید هر داور دیگری جای او بود همین کار را می‌کرد. اوراسیو الیزوند، داور مسابقه ایتالیا و فرانسه در جام جهانی ۲۰۰۶ یعنی هفت سال پیش مجبور شد در وقت اضافه به زین الدین زیدان کارت قرمز دهد. الیزوند که داور مسابقه افتتاحیه میان آلمان و کاستاریکا هم بود، در مصاحبه با خبرنگاران گفت: به یاد دارم که اخراج زیدان در آن سال در بازی فینال جام جهانی کار راحتی نبود، چرا که زیدان، کاپیتان فرانسه و بهترین بازیکن

کاپلو: ژاوی بهترین بازیکن میانی دهه اخیر است



مقابل سلطیک برای بارسا در دور ششم و پایانی مرحله گروهی لیگ قهرمانان کار سختی باشد.» او در مورد نیمار ستاره ۲۱ ساله بارسا هم گفت: «فکر می‌کنم او می‌تواند بارسا را لیدری کند. من بازیهای نیمار برای تیم ملی برزیل را دیده‌ام. او از سطح خیلی بالایی بهره می‌برم. توقعات زیادی از او دارم. من از بازیکنان خوب خوشم می‌آید و تماشاچی بازیهای نیمار از طریق تلویزیون جذاب و سرگرم کننده است. او بازیکن خیلی خوبی است.» کاپلو در مورد ژاوی ارناندس هم گفت: «او بهترین بازیکن میانی دهه اخیر است. کیفیت فوتبالی ژاوی واقعا خیره کننده است.» کاپلو در مورد فروش اوزیل به آرسنال هم گفت: «نمی‌دانم در رئال چه اتفاقی افتاد ولی به نظر من اوزیل بازیکن خیلی مهمی برای رئال بود. یک بازیکن تراز اول که رئالی‌ها در فروش او مرتکب اشتباه بزرگی شدند.»

روبن: قرار دادم را با با بایرن تمدید نکرده‌ام



او گفت: بسیاری از رسانه‌ها اعلام کردند که کارل هاینس رومینگه پیشنهاد تمدید قرارداد را به من داده است. این خبر شایعه‌ای محض است و صحت ندارد. من قراردادم را با بایرن مونیخ تمدید نکرده‌ام و حتی با پیشنهاد تمدید هم مواجه نشدم. روبن افزود: الان نمی‌خواهم روی موضوع تمدید قرارداد فکر کنم. تنها می‌خواهم با تمرکز بالا به تیمم در رقابت‌های بوندسلیگا و لیگ قهرمانان اروپا کمک کنم. روبن فصل گذشته عملکرد خیره کننده‌ای در بایرن مونیخ داشت. او به همراه ریبی سهم بسزایی در قهرمانی این تیم در رقابت‌های بوندسلیگا و لیگ قهرمانان اروپا داشت. روبن در فصل جاری هم بازی‌های خوبی را برای بایرن به نمایش گذاشته و تا الان چهار گل برای این تیم در رقابت‌های بوندسلیگا به ثمر رسانده است. با این حال در مقطعی از فصل جاری خبرهایی درباره اختلاف او با گواردیولا به گوش رسید که هر دوی آنها این اختلاف را تنها فوتبالی دانستند. البته پیش از این روبن در اظهار نظری جالب گفت که گواردیولا هنوز تغییری را در سبک بازی بایرن به وجود نیاورده است که این نشان می‌دهد این هافبک هلندی درخشش بایرن را به عملکرد خوب یوپ هاینکس نسبت می‌دهد.

معاون مجلس سنا در پیوند به شکل تذکره‌های برقی:

دیگر قومیت ملاک و معیار نباشد

رییس مجتمع جامعه مدنی: دست‌یافتن به هویت ملی مستلزم ارج‌گذاری به هویت‌هاست



ناجیه نوری

است که ۳۵ معلومات مربوط به شخص در آن ثبت می‌شود که ذکر قومیت و زبان مادری هم از همین جمله است. بخش دوم تذکره برقی شکل ظاهری آن است که شامل شش یا هفت مورد معلومات است که در بالای آن نوشته شده جمهوری اسلامی افغانستان، تذکره تابعیت و اسم، اسم پدر و سایر معلومات. بخش سوم تذکره‌های برقی پشت یا طرف چپ تذکره است که همان شش یا هفت معلومات ذکر شده در صفحه اول، به زبان انگلیسی نوشته شده.

وی تصریح کرد، شماری از سناتوران خواهان ذکر قومیت در شکل ظاهری تذکره بودند، اما شماری دیگر از سناتوران مخالف این موضوع بودند و می‌خواستند به جای آن کلمه افغان درج شود که این طرح در هر دو مجلس (مجلس نمایندگان و مجلس سنا) با مخالفت مواجه شد.

معاون اول مجلس سنا تأکید کرد، بالاخره قانون چنین تصویب شد که نام قومیت و کلمه افغان در شکل ظاهری تذکره وجود نداشته باشد؛ اما قومیت در چپ درج شود. به باور ایزدیار، این تذکره‌ها می‌توانند برای ملت‌سازی موثر باشد و از همه مهم‌تر اینکه به وسیله این تذکره‌ها می‌توان تعداد دقیق نفوس کشور را تثبیت کرد.

به گفته او، استفاده از این تذکره‌ها در انتخابات می‌تواند از تقلب و جعل‌کاری جلوگیری کند.

در این حال، معاون اول مجلس سنا می‌گوید، باید در مرکز معلومات یا دیتابیس افراد مطمئن و قابل اعتماد گماشته شوند تا معلومات را به طور شفاف ارایه کرده و اعتماد مردم را جلب کنند.

او افزود، ما طرفدار این استیم که دیگر قومیت ملاک و معیار نباشد، بل شایسته‌گی و لیاقت معیار اصلی باشد؛ اما تا زمان رسیدن به این اهداف و تا زمان از بین رفتن بی‌اعتمادی، ضرور است که تدابیر لازم را روی دست بگیریم.

اما عزیز رفیعی رییس جامعه مدنی می‌گوید، در افغانستان متأسفانه همواره چنین احساس می‌شود که هویت‌ها یا کشته می‌شوند و یا هم نابود می‌شوند؛ بنابراین تذکره قومیت در تذکره‌های برقی برای ملت‌سازی یک امر لازمی است.

وی تصریح کرد، زمانی که هویت در دیتابیس مخفی نگهداشته می‌شود و شخص نمی‌داند که با کدام هویت و قومیت ثبت شده؛ بنابراین فردا چگونه... ادامه صفحه ۶

پاکستان:

توافقنامه امنیتی کابل - واشنگتن نباید برای سایر کشورها مشکل ساز شود

سخنگوی وزارت خارجه پاکستان تصریح کرد که اسلام‌آباد نمی‌خواهد اعضای پیمان امنیتی کابل - واشنگتن مشکلی برای کشورهای دیگر به وجود آورد. اعزاز احمد چودری سخنگوی وزارت امور خارجه پاکستان روز گذشته و همزمان با سفر نخست وزیر این کشور به افغانستان اظهار داشت: پاکستان به خوبی درک می‌کند که اعضای پیمان امنیتی تا چه حد بر سرنوشت افغانستان تأثیرگذار بوده اما نمی‌خواهیم اعضای این پیمان مشکلاتی برای کشورهای دیگر به وجود آورد. وی که روز گذشته در یک نشست خبری در اسلام‌آباد با رسانه‌ها گفت‌وگو می‌کرد، افزود: پاکستان نمی‌خواهد افغانستان بعد از سال ۲۰۱۴ دچار اختلافات سیاسی شود.

سخنگوی وزارت خارجه پاکستان تأکید کرد: گروه‌ها و احزاب سیاسی افغانستان باید با کمک یکدیگر آینده کشورشان را تعیین کنند.

اعزاز احمد چودری با اشاره به اینکه ملاقات با اعضای شورای عالی صلح افغانستان یکی از برنامه‌های سفر نواز شریف به کابل است، افزود: با اینکه اطمینانی وجود ندارد نخست‌وزیر پاکستان بتواند مقامات افغان را برای رایزنی با آمریکایی‌ها جهت آزادی لطیف‌الله محسود (معاون رهبر طالبان پاکستان) قانع کند اما به هر حال آزادی وی و سایر اعضای طالبان که در افغانستان زندانی هستند یکی از محورهای سفر شریف به کابل است.

پیش از سفر شریف به کابل

کنر راکت‌باران شد



مقام‌های امنیتی در ولایت کنر در شرق کشور می‌گویند که نیروهای پاکستانی ده‌ها راکت را بر این ولایت پرتاب کرده‌اند. عبدالحبیب سیدخیل، فرمانده امنیه کنر به رسانه‌ها گفته است که شب گذشته، نیروهای پاکستانی نزدیک به ۲۰ راکت را بر بخش‌هایی از این ولایت پرتاب کرده‌اند.

او می‌گوید که این راکت‌ها بر منطقه موسوم به شلتن، از مربوطات ولسوالی شیکل ولایت کنر اصابت کرده است.

به گفته فرمانده امنیه ولایت کنر، پرتاب این راکت‌ها تلفاتی را در پی نداشته، اما خساراتی را بر جا گذاشته است.

کنر در شرق کشور و از مناطق هم مرز با پاکستان است. با وجود درخواست‌های مکرر دولت افغانستان مبنی بر متوقف کردن حملات راکتی پاکستان بر ولایت‌های هم مرز با این کشور، پاکستان هنوز به درخواست‌های افغانستان اعتنایی نکرده است.

این حملات در حالی شب شنبه صورت گرفت که صبح روز گذشته نواز شریف، نخست وزیر پاکستان برای دیدار با مقام‌های افغان وارد کابل شد. آقای شریف در دیدار با رییس جمهور کنری از گفت

وگوهای صلح به رهبری حکومت افغانستان حمایت کرد.

با این حال مقام‌های امنیتی کنر با انتقاد از حملات راکتی پاکستان می‌گویند که رییس جمهور کنری باید در دیدار با نواز شریف موضوع حملات راکتی نیروهای مرزی پاکستانی بر بخش‌هایی از افغانستان را مطرح کند.

این برای اولین بار نیست که نیروهای پولیس سرحدی پاکستان ولایت کنر را مورد آماج حملات راکتی قرار داده‌اند بلکه پیش از این نیز سابقه داشته است.

حملات راکتی پاکستان بر ولایت شرقی و شمال شرقی افغانستان از سال‌ها به این سو هر از گاهی صورت می‌گیرد.

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی

سه ماهه - ۱۰۰ دالر
شش ماهه - ۲۰۰ دالر
نه ماهه - ۳۰۰ دالر
یک ساله - ۴۰۰ دالر

روزنامه ماندگار

Mandegar Daily newspaper

نارسیده به منزل یا دفاتر

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰